



* نگاه کلی

دوستان سلام و سال نوتان پر شادی!

احتمالاً مانند سال‌های گذشته بسیاری از شما احساس خوبی نسبت به این آزمون جامع داشته‌اید و بسیاری هم احساسی ناخوشایند. راستش این احساس‌ها خیلی مهم و تعیین‌کننده نیستند؛ یعنی نمی‌شود با وضعیت شما در این آزمون پیش‌بینی کرد که بعد از آزمون سراسری امسال چه احساسی خواهید داشت. باور کنید در این یکی دو ماه آینده، خیلی اتفاق‌های خوب و خوب‌تر می‌تواند برایتان بیفتد که نتیجه‌ی کنکورتان را خیلی عوض کند (رتبه‌ی خود من در اولین آزمون جامع سنجش ۳۳۵ شد و در کنکور سراسری ۳۳؛ یعنی ده برابر بهتر!).

شاید اهمیت خواندن نقد و بررسی آزمون‌ها خیلی کم‌تر از شرکت در جلسه‌ی آزمون نباشد؛ این نقدها را با دقت مطالعه کنید تا نتیجه‌ی کاملی از شرکت در آزمون‌های آزمایشی برایتان حاصل شود. به نقد آزمون‌های سراسری سال‌های گذشته هم توجه کنید تا تست‌های غیراستاندارد یا غلط سال‌های گذشته بی‌جهت وقت ارزشمندتان را این روزها هدر ندهد؛ یعنی اگر موقع پاسخ‌دادن به یک تست ادبیات یا شیمی یا فیزیک یا ... از سال ۹۳ یا ۹۲ یا ۹۱ یا ... احساس کردید که به‌هیچ‌وجه این سؤال قابل پاسخ‌گویی نیست، فوراً به سواد یا هوش خودتان شک نکنید؛ سری به سایت ما بزنید و ببینید در نقد آن آزمون، این تست در چه گروهی قرار دارد. شاید جزو سؤالات غیراستاندارد یا غلط باشد یا سؤالات بسیار دشوار که در واقع هیچ‌کس نمی‌تواند به آن‌ها پاسخ دهد؛ به هر حال خیلی مهم است که در این روزها گم نشوید یا به‌عبارتی سردرگم نشوید. سرتان را بالا بگیرید و بهترین راه‌ها را انتخاب کنید. صفحه‌ی مشاوره‌ی نشر دریافت برای همین روزها پایه‌گذاری شده‌است. آن را نادیده نگیرید.

اما نقد پرسش‌های زبان و ادبیات فارسی در این آزمون:


در کل آزمون خوبی بود و جای سپاس از طراحان و ویراستاران محترم آن محفوظ است. پرسش‌ها با هوشمندی طراحی شده‌بود، اما در پاسخ‌های تشریحی هنوز بی‌حوصلگی رایج پاسخ‌نامه‌ی در آزمون‌های تعاونی سنجش احساس می‌شود؛ مثلاً پاسخ تشریحی تست ۱۹ با پاسخ کلیدی تفاوتی ندارد.

در پرسش‌ها، نکته‌های تازه و زیبا کم نبود. یکی دو مورد هم اشتباه پیش‌آمده‌بود که در استانداردسازی این آزمون با آزمون سراسری - که آن هم معمولاً یک یا دو پرسش مشکل‌دار را همیشه چاشنی کار می‌کند - کمک به‌سزایی می‌کرد! سطح دشواری آزمون اندکی - فقط اندکی - پایین‌تر از آزمون‌های سراسری چند سال اخیر بود که برای این‌موقع از سال تحصیلی مناسب است. درصد قابل‌قبول برای داوطلبانی که از استعداد نسبی در درس ادبیات برخوردارند و در حد معمول تلاش خود را هم در این ماه‌ها به خرج داده‌اند (با هفته‌ای ۷ تا ۹ ساعت مطالعه‌ی ادبیات)، % ۵۰ است؛ اگر نتیجه‌ی شما خیلی پایین‌تر از این درصد است یا کم‌کاری کرده‌اید و یا از منابع درست یا روش‌های درست محروم بوده‌اید، اما هنوز خیلی دیر نشده‌است؛ لطفاً همین حالا به صفحه‌ی مشاوره‌ی همین سایت مراجعه کنید و هرچه زودتر به راه راست هدایت شوید! درصد بالای % ۵۵ خوب، بالای % ۶۰ خیلی خوب و بالای % ۷۵ عالی به حساب می‌آید.

در کنار تان هستیم!



* پرسش‌های ابتکاری و نو

شماره پرسش	توضیح
۹	هنوز در آزمون سراسری تعداد تلمیح مورد پرسش قرار نگرفته بود. نکته‌ی ارزشمند این پرسش ردیف‌شدن نام شخصیت‌های دینی در بیت نخست است، بدون آن که یادآور داستان و ماجرای خاصی باشد؛ اما دانش‌آموز کم‌دقت را بین انتخاب گزینه‌ی ۱ و ۴، دچار شک و دودلی می‌کند.
۱۳	بسیار پرسش خوب و حساب‌شده‌ای است. طراح (یا طراحان محترم) به‌جای طرح پرسش هم‌زمان از دو مقوله‌ی مهم تعداد واژه و تعداد تکواژ که با کوچک‌ترین اشتباهی دانش‌آموز درس‌خوان و باسواد را به $\frac{1}{3}$ نمره‌ی منفی نائل می‌کند! سؤالی حساب‌شده و باوقار طرح کردند و فقط تعداد واژه‌ها را مورد سؤال قرار دادند که مطمئناً نسبت به شمارش تکواژها به سواد دستوری بیش‌تری هم نیازمند است.  «آشفته بود» در این جمله، فعل ماضی بعید نیست. «آشفته» مسند و «بود» فعل اصلی جمله است. اگر کتاب‌های نشر دریافت را مطالعه کرده‌باشید، حتماً به‌خاطر دارید که بر این نکته‌ی زیبا و مفهومی زبان فارسی در آن‌ها تأکید بسیار شده‌است، همین‌جا باز هم این نکته‌ی خاص را یادآوری می‌کنم که منفی کردن فعل‌ها، روش قابل‌قبولی است برای تفکیک «است، بود، باشد» به‌عنوان فعل کمکی (در ماضی نقلی، ماضی بعید و ماضی التزامی) با «است، بود، باشد» به‌عنوان فعل اصلی (گذرا به مسند)؛ چند نمونه: - باد موهایش را <u>آشفته بود</u> ← باد موهایش را نیاشفته بود فعل ماضی بعید از مصدر «آشفتن» - موهایش <u>آشفته بود</u> ← موهایش آشفته نبود فعل اصلی از مصدر «بودن» برای توضیح و تمرین بیش‌تر به صفحه‌ی ۱۵۶ (دومین تست آموزشی از مبحث گروه فعلی) کتاب زبان فارسی نشر دریافت مراجعه کنید.
۱۵	فقط یک‌بار نظیر چنین پرسش مهمی در آزمون سراسری سال ۸۴ طرح شده‌بود. برای واژه‌های «مکالمه، بعینه، متحد، جمله، شهره و غرض» می‌شود هم‌خانواده‌هایی بر اوزان رایج در زبان عربی پیدا کرد، مثلاً «تکلم (تفعل)، معاینه (مفاعله)، اتحاد (افتعال)، جملات (جمع با «ات»)، مشهور (مفعول)، آغراض (افعال)» خُب، وقتی هم‌خانواده‌ی کلمه‌ای عربی باشد حتماً خودش هم عربی است و از زبان عرب‌ها داخل زبان ما شده‌است (واژه‌ی دخیل) «سلام» هم که مثل «ال» پرچم زبان عربی است و در دخیل‌بودن آن شکی نیست. «غرس» هم در متن درس‌های کتاب عربی‌تان به‌کاررفته‌است؛ پس عربی است و داخل زبان ما ایرانی‌ها شده‌است.
۲۱	مضمون تازه‌ای در این پرسش، مورد سؤال قرار گرفته‌است که البته از مضمون‌های رایج در ادب پارسی است، اما هنوز پایش به تست‌های کنکور باز نشده‌بود!



* پرسش‌های دشوار یا وقت‌گیر

شماره پرسش	توضیح
۱	جمع «لیف» می‌شود «الیاف».
۳	مطمئناً به تفاوت صفتِ فاعلی و صفتِ مفعولی در معنای واژه‌ها باید توجه داشت؛ برای نمونه «طالع» یعنی «برآینده» نه «برآورده» یا «مُطاع» یعنی «اطاعت‌شده»، نه «اطاعت‌کننده» و ... «ان» در پایان «فَرَقْدان» «ان» تثنیه‌ی زبان عربی است نه «ان» جمع فارسی. هم مفرد معناکردن «فَرقدان» غلط است و هم جمع معنا کردندش. فقط «دو ستاره که ...» درست است. (به این نکته‌ها در کتاب املا و لغت نشر دریافت اشاره شده‌است.)
۴	همیشه این تست‌ها دشوار بودند و هستند و خواهند بود!
۱۰	«خون‌ریختن» کنایه از «کشتن» است اما واژه‌ی «خون» به‌تنهایی کنایه نیست؛ بلکه مجاز است از «کشتن». نیامدن نشانه‌ی پرسش پس از «چیست» در گزینه‌ی سوم، بیت را بسیار نارسا و نامفهوم کرده‌است و چه بسا که به دلیل همین بی‌دقتی ویراستاران، دانش‌آموزی این گزینه را انتخاب کرده‌باشد که جای تأسف است.
۱۱	ساختار این‌گونه پرسش‌ها آن‌ها را دشوار جلوه می‌دهد، اما اگر با روش پاسخ‌گویی آشنا باشید (← فصل اول جلد اول همایش زبان و ادبیات فارسی، نشر دریافت)، کافی بود کار را با «حس‌آمیزی» یا «اسلوب معادله» آغاز می‌کردید تا به‌سادگی و سرعت پاسخ تست را می‌یافتید. ضمیرهای پیوسته (مَ، تَ، شَ، مانَ، تانَ، شانَ) یک واژه‌ی مستقل و جداگانه و یک تکواژ آزاد هستند؛ زیرا نقش دستوری جداگانه و مشخصی را در جمله‌ها بر عهده می‌گیرند (مفعول، متمم، مضاف‌الیه)
۱۵	توضیحش آمد.
۲۲	تشخیص مفهوم مشترک سه گزینه‌ی دیگر نیاز به درنگ و خون‌سردی سر جلسه‌ی آزمون داشت!

* پرسش‌های غیراستاندارد یا نادرست

شماره پرسش	توضیح
۸	هر چهار بیت از خاقانی شروانی است و معلوم نیست به چه علتی، در بیت دوم به شدت دخل و تصرف شده‌است تا جایی که مصراع نخست آن بی‌معنا (و بی‌وزن) از آب درآمده‌است؛ بنابراین ممکن است که دانش‌آموزی در درستی املا‌ی «طبع» شک کند و آن را به شکل «تبع» درست بیندارد، اما اصل مصراع: خرطیع را چه مال دهی و چه معرفت: کسی که از مردمی و انسانیت بویی نبرده‌است، نه مال آدمش می‌کند نه دانش.



<p>۱۷ گرچه می‌توان «دست‌بند» را تشکیل‌شده از «اسم + بن مضارع» دانست و آن‌گاه، آن را فشرده‌ی یک جمله‌ی سه‌جزئی با مفعول به حساب آورد. در کتاب زبان فارسی ۳ (درس ساختمان واژه‌ی ۱) «بند» در «دست‌بند» اسم به حساب آمده‌است نه بن فعل؛ بنابراین بر پایه‌ی سلیقه‌ی کتاب درسی «دست‌بند» از جابه‌جایی یک ترکیب اضافی حاصل‌شده‌است (بندِ دست ← دست‌بند) نه فشرده‌شدن یک جمله‌ی سه‌جزئی با مفعول.</p>	۱۷
<p>۱۸ برخلاف اشکال تست ۱۷ که کاملاً سلیقه‌ای بود و فقط از کم‌توجهی به کتاب درسی حاصل‌شده بود نه سستی علمی، این تست یک اشتباه علمی فاحش است و جای توجیه ندارد. «خلق‌گونه» صفتِ «جَبّه» است نه قید جمله. (این چه نوع قیدی است که کسی هنوز ندیده‌است؟). باید در پاسخ‌گویی به پرسش‌های دستوری، ابتدا جمله را مرتب کرد: جَبّه‌ای خَلق‌گونه و حبری رنگ داشت [که] با سیاه می‌زد.</p> <p>انتقال صفت به پایان جمله و قرارگرفتن آن پس از فعل از اتفاقات رایج و مهم در فارسی ادبی است؛ نمونه‌ای دیگر: ایران از دید بیگانگان کشوری به‌نظر می‌رسد پر از جاذبه‌های ناشناخته = ایران از دید بیگانگان کشوری پر از جاذبه‌های ناشناخته به‌نظر می‌رسد.</p> <p>صفت + متمم صفت</p>	۱۸
<p>۲۳ بلبل سحری که واقعاً با شاعر حرف زده‌است! منظور شاعر این است که: بلبل که صبحگاهان مشغول نغمه‌سرایی بود در نگاه من نمود ستایش و نیایش خداوند شد و مرا به فکر فرو برد که چرا خودم ستایش و نیایش پروردگار را فرو گذاشته‌ام؛ آیا از بلبل هم کم‌ترم؟ بنابراین بیت دوم هم می‌تواند پاسخ این پرسش باشد.</p>	۲۳

دکتر هامون سبطی